

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته:

فرهنگ و زبانهای باستانی

موضوع:

کاربرد سیاسی نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های ایران باستان  
نخستین شاهان هخامنشی کوروش بزرگ و داریوش بزرگ

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر زهره زرشناس

نویسنده:

نیما یاربد

آذرماه ۱۳۸۳

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده.....
۲.....	پیشگفتار.....
۴.....	روش شناختی پژوهش.....
۸.....	فصل اول: کلیات نظام سیاسی.....
۹.....	تعریف سیاست.....
۹.....	سیاست مقایسه‌ای.....
۱۲.....	تفاوت فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی.....
۱۳.....	مدنیت و سیاست.....
۱۳.....	قدرت و سیاست.....
۱۶.....	فصل دوم: تفکر سیاسی در جامعه ایرانی.....
۱۸.....	رابطه دین و سیاست در ایران باستان.....
۲۱.....	فصل سوم: آغاز استیلای پارسیان بر ایران.....
۲۲.....	نخستین دولت ایرانی - مادها.....
۲۵.....	کوروش بزرگ.....
۲۵.....	منشور کوروش.....
۲۶.....	نخستین اعلامیه حقوق بشر.....
۲۸.....	گسترش مرزهای سیاسی امپراطوری.....
۲۹.....	منشور کوروش بزرگ در تقابل با یادمان حمورابی.....
۳۲.....	کوروش و سایر ادیان.....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۴	کوروش و اقوام یهود
۳۷	کوروش در پاسارگاد
۳۹	نقش برجسته‌های پاسارگاد
۴۰	سیاستهای کلی کوروش
۴۲	فصل چهارم: داریوش بزرگ
۴۳	کتیبه بیستون: کارنامه سیاسی - عقیدتی داریوش
۴۶	تبار سلسله‌ای داریوش
۴۷	بازتاب اندیشه دولت - سپهری در کتیبه بیستون
۵۰	داریوش و اندیشه ناسیونالیسم پارسی
۵۶	نخستین شورش: گئومات مُغ
۵۹	همدستان داریوش در ماجرای گئومات مُغ
۵۹	شورش‌های سال‌های نخست پادشاهی داریوش
۶۳	داریوش و فریافت سیاسی - مذهبی دروغ
۶۴	تلاش داریوش در حفظ کارنامه بیستون برای آیندگان
۶۵	کتیبه‌های داریوش در نقش رستم
۶۶	کتیبه <i>DNa</i>
۶۷	کتیبه <i>DNb</i>
۶۸	کتیبه‌های کوچک <i>DNd</i> و <i>DNc</i>
۷۰	کتیبه <i>DNe</i>
۷۱	داریوش در پرسپولیس

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷۳.....	مادها و برتری آنها بر سایر ملل تابعه.....
۷۴.....	هدیه آورندگان - خراج گذاران.....
۷۶.....	بازتاب قدرت شاه در پرسپولیس.....
۷۷.....	داریوش در شوش.....
۷۹.....	کتیبه داریوش در الوند.....
۷۹.....	کتیبه‌های داریوش در سوئز.....
۸۰.....	کتیبه‌های داریوش در مصر.....
۸۱.....	دیگر کتیبه‌های کوچک.....
۸۲.....	فصل پنجم: جمع‌بندی و اثبات فرضیه‌های پژوهش.....
۸۵.....	فهرست توصیفی کتیبه‌ها.....
۹۱.....	<i>Abstraction</i> .....
۹۲.....	پی‌نوشت.....
۹۶.....	فهرست مآخذ (کتابنامه).....

## تشکر و تقدیر

بی شک نقش سرکارخانم دکتر کتایون مزدآپور، استاد راهنما و سرکارخانم دکتر زهره زرشناس استاد مشاور اینجانب در تهیه و تدوین رساله حاضر بس ستودنی و ماندگار است. صمیمانه قدردان راهنمایی‌های ارزنده و حوصله بسیار این بزرگوارانم.

همچنین تذکرات بجا، دقت و همدلی صادقانه سرکارخانم دکتر منظر رحیمی استاد داور رساله را ارج نهاده، از تلاش ایشان در بهتر برگزار شدن جلسه دفاعیه کمال تشکر را دارم.

در پایان بر خود واجب می دانم از الطاف کلیه استادان ارجمند و دوستان گرامیم در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که در طول دوران تحصیل و در تهیه رساله کارشناسی ارشد اینجانب با در اختیار گذاشتن وقت و معرفی منابع یا ارائه بازخورهای مناسب به یاری ام آمده‌اند و پیوسته از دانش و منش آنها بهره فراوان برده‌ام، و خصوصاً از خانواده عزیزم، پدر و مادر مهربانم که راه بر من گشوده و با دلگرمی و حمایت‌های بی دریغ خود همراه همیشگی ام در پیمودن این راه بوده‌اند، متواضعانه تشکر و قدردانی کنم.

نیما یاربد

آذرماه ۱۳۸۳ - تهران

## چکیده

رساله حاضر مشتمل بر یک پیشگفتار، ۵ فصل، یک کتابنامه و همچنین یک فهرست توصیفی از کتیبه‌ها و پی‌نوشت‌هایی است که در انتها آورده شده است. در بخش پیشگفتار به شرحی کلی درباره موضوع و تقسیم بندی کار پرداخته شده و در فصول مختلف نیز شرح جزئیات آمده است. این رساله در پی فهم و تحلیل کاربرد سیاسی کتیبه‌های ایران باستان - نخستین شاهان هخامنشی - کوروش بزرگ و داریوش بزرگ است. بر همین اساس، سعی شده تا از لا به لای متن صریح کتیبه‌های موجود و تطبیق آنها با جدیدترین روش‌های دانش سیاسی، مفهوم و کارکرد کنایی آنها استخراج گردد. به بیان دیگر، شالوده این رساله بر پایه متن کتیبه‌ها (بطور خاص) و دانش سیاست مقایسه‌ای استوار گردیده است و شیوه به کار رفته نیز در حقیقت همان روش مقایسه و مقابله متون با نظریه‌های فراگیر سیاسی می‌باشد.

در اینجا لایه‌های خبری و اطلاعات براساس پیامی که شاهان (بطور اخص کوروش و داریوش هخامنشی) در نظر داشته‌اند به آیندگان برسد و نیز پایه ابزاری که حاصل این پیام است یعنی کتیبه‌ها، نقش برجسته‌ها و آثار دیگر، به تفکیک بیان شده‌اند. به هنگام مقایسه منابع تلاش بر آن بوده تا مطالب با زبانی ساده، بدون پرداختن به اصطلاحات پیچیده و دشوار توضیح داده شوند و به عبارتی پرسش و پاسخ روشن و صریح باشد.

مقایسات انجام شده یا در درون یک نظام سیاسی خاص و در بین عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن بوده است، یا به هنگام تقابل دو نظام سیاسی با یکدیگر و در مراحل تفویض و توزیع قدرت صورت پذیرفته است. در بخش نخستین رساله کلیات نظام سیاسی و تعریف واژگان به طور عام از دیدگاه مقایسه‌ای، در بخش دوم تفکر سیاسی در جامعه ایران، در بخش سوم استیلای هخامنشیان - کوروش بزرگ، در بخش چهارم داریوش بزرگ آورده شده و در بخش آخر نیز به جمع بندی و طرح و اثبات زمینه‌های پژوهش پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** کتیبه، نقش برجسته، سیاست مقایسه‌ای، نظام سیاسی، شاه، قدرت، سنگ نبشته،

اهورامزدا، داریوش، کوروش، جامعه، تحول فکری، اندیشه سیاسی.

«فردیت بی مانند یک تمدن است که برای پژوهش جاذبه دارد.»

جی.ال.می رس

J.L.Myres

## پیشگفتار

از نخستین طراحی‌ها بر دیواره غارها گرفته تا پرکارترین نقوش برجسته‌ای که در دل کوهها یا بناهای سنگی حک گردیده‌اند، همگی در بردارنده پیامهایی به مخاطبین خود بوده‌اند. این پیامها که با اختراع خط شکل تخصصی و پیچیده‌ای به خود گرفته‌اند، در بسیاری موارد با تصویر یا نقوش برجسته‌ای همراه اند که به القای مفاهیم کمک بیشتری می‌کنند.

چنانکه از شواهد و قرائن موجود در این منطقه از جهان می‌توان نتیجه گرفت از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح پادشاهان آشور و بابل خواهان جاودانه کردن پیروزی‌های خود و در عین حال شناخت پیروزی‌های دیگران برای تسلط بر آنها بوده‌اند. مثلاً نبوکد نصر دوم، شاه بابل (۵۶۲-۶۰۴ ق.م) کمی پیش از مرگ خود با دغدغه این که به نسلهای آینده معنای واقعی سلطنت خود را بشناساند، اعلامیه‌ای به شکل وصیت نامه به کاتب خود دیکته کرده است (ژرار ایسرائل، کوروش بزرگ، ۱۳۷۹، ص ۶۸)، که این اعلامیه بر روی لوحه‌های گلی ثبت و محفوظ مانده است.

یا حتی پیش از آن، آشوربانیپال، شاه آشور (۶۳۰-۶۶۹ ق.م) که به علم و دانش توجه داشته، دستور می‌دهد کل دانش جهان در کتابخانه‌ای در نینوا گرد آید، چه او نمی‌خواست نسلهای آینده پیروزی‌های او را فراموش کنند. گفته می‌شود علاوه بر آنکه کتابخانه مذکور شامل الواح گوناگون بوده است، کاتبان متعددی که به دقت تربیت شده بودند متون باستانی را نسخه برداری کرده و به تکمیل و مقایسه آنها با یکدیگر می‌پرداخته‌اند... (۱۳۷۹، ص ۳۴).

همچنین در پایتخت آشور معبدی برای خدای نَبو (*Nabu*)، خدای نوشتن و کسی که سرنوشت انسانها را می‌نویسد، وجود داشته است (۱۳۷۹، ص ۳۵).

در ایران نیز کتیبه‌های باستانی که بیشتر بر کوه، لوح گلین، دیواره کاخها، چرم، مسکوکات، مهرها و نظایر آن نوشته شده‌اند، حاوی مضامین مختلفی‌اند، اما در بیشتر آنها، شاه بزرگ به عنوان قدرت مطلقه، موضوع و محور اصلی بحث بوده است.

سنگ نبشته‌ها را - یا نگارش بر روی اشیاء سخت که از کهن‌ترین اشکال کتیبه‌نویسی است (راشد محصل، کتیبه‌های ایران باستان، ۱۳۸۱، ص ۱۳) با توجه به اینکه در نقاط مختلف این سرزمین بطور پراکنده کشف کرده‌اند، می‌توان از نظر دوره تاریخی به دو دوره باستان و میانه تقسیم نموده (۱۳۸۱، ص ۱۷) که در این پژوهش به طور خاص به کتیبه‌های دوره باستان به زبان پارسی باستان و خط میخی پرداخته شده است. بیشتر کتیبه‌های ایران باستان چند زبانه اند که خود حکایت از وسعت امپراطوری ایران آن روزگار دارد. حتی در کنار کتیبه‌های پارسی باستان، نوشته‌های دیگری به زبان عیلامی و بابلی با خطوط میخی خاص خود وجود دارند. البته خطوط به کار رفته در کتیبه‌های پارسی، اوج و شکوفایی خط میخی را نمایان می‌کند. ظاهراً اختراع خط میخی پارسی باستان به دستور داریوش یکم هخامنشی برای ثبت وقایع کتیبه بیستون در طول سالهای ۵۱۵-۵۲۵ ق. م صورت گرفته و تا حمله اسکندر مقدونی به ایران، زبان رایج کتیبه‌نویسی به شمار می‌رفته است. رمزگشایی این خط که خود دارای تاریخچه و وقایع پر تفصیلی است، از دستاوردهای بزرگ عملی - زبانی محسوب شده و علاوه بر آن، این کشف رمز، کمک بسیاری به شناخت سیاستهای دولتها نموده است.

بررسی حاصل کوشیده است تا از نظرگاهی سیاسی بر این کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها بنگرد. به همین دلیل ابعادی تازه را منظور خواهد داشت تا شاید بتواند بینش کهن و اصلی پیرامون آنها را بازسازی، درک و دریافت کند.

بیگمان آنچه استنباط ذهن امروزی ما از این آثار باستانی است، همان نخواهد بود که در نظر مردم آن روزگار بوده است. با وجود این کوشش بسیار به کار گرفته شده تا واقعیت و هدف اصلی و دقیق آنچه موجب پدید آمدن این آثار شده است، درک و توصیف گردد.



## روش شناختی پژوهش

### الف) موضوع اصلی و فرضیه‌های پژوهش

موضوع رساله گفتگو درباره «کاربرد سیاسی کتیبه‌های ایران باستان» می‌باشد که به بررسی پیرامون کتیبه‌های باقیمانده از دوران دو پادشاه نخستین هخامنشی یعنی کوروش بزرگ و داریوش بزرگ محدود گردیده است.

از آنجا که هیچکدام از کتیبه‌ها به صراحت به شیوه‌های رایج زندگی سنتی و دیدگاه‌های حکومتی و اصول و قوانین حاکم بر فضای سیاسی جامعه آنروز ایران نمی‌پردازند و از طرفی بدیهی است که بسیاری از رفتارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را باید بر پایه قوانین نانوشته بررسی کرد، موضوع اصلی این پژوهش بر پایه دیدگاهی سیاسی و فرضیه‌های آن براساس مفاد کتیبه‌ها و از طریق تحلیل لایه‌های خبری موجود در متن آنها به واسطه علم سیاست مقایسه‌ای بازسازی و تدوین شده‌اند.

حوزه مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای، تنها بررسی نظام‌های سیاسی گوناگون نیست بلکه تحولات و کارکردهای مختلف را در چهارچوب یک نظام خاص در مقاطع متفاوت زمانی شامل می‌شود. پس بدینوسیله می‌توان شیوه‌های سیاست‌گزاری، نقش احزاب و جز اینها را در درون یک نظام مورد مقایسه قرار داد. (قوام، سیاست‌های مقایسه‌ای، ۱۳۷۳، ص ۲۲)

### ب) متن کتیبه‌ها

منظور از متن کتیبه‌ها در اینجا، مفاهیمی است که هم از طریق سنگ نبشته‌ها و هم به واسطه نقوش برجسته‌ای که احتمالاً نوشته‌ای به همراه ندارند، به مخاطب القا می‌شود. به جز متن استوانه کوروش که به زبان و خط بابلی است، باقی کتیبه‌های مورد مطالعه همانطور که پیشتر ذکر شد، به زبان پارسی باستان و خط میخی است و همین نکته خود محدوده مشخصی برای پژوهش ترسیم می‌کند. در این میان سعی شده تمامی کتیبه‌های مورد بررسی براساس آخرین ترجمه‌ها و با استفاده از روش سیاست مقایسه‌ای ارزیابی گردند. ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که کتیبه‌های مشکوفه مربوط به آرشامه و آریارمنه در همدان به دلیل تردید در اصالت آنها و یا الواح خزانه به دلیل تعدد و ماهیت محاسباتی - اقتصادی آنها و برخی دیگر از کتیبه‌های

کوچک که بر سنگ وزنه، مُهرها، ظروف، حاشیه لباسها و نظایر آن حک شده و در بیشتر موارد تنها حاوی نام شاه و یا دودمان اویند و نکته خاصی دربر ندارند، مشمول این مقوله نمی‌شوند.

در این میان علاوه بر متن کتیبه‌ها، توجه به بعضی مضامین منقول در کتب مختلف که به برداشت بهتر موضوع کمک کرده، از قلم نیفتاده است.

همچنین تفاسیر متعددی که از نقوش برجسته بدست آمده، توانسته است به تأیید یا انکار فرضیه‌ها کمک شایانی بنماید.

### پ) تحلیل مفهومی

آنچه در قرائت یک کتیبه جهت بررسی دیدگاههای سیاسی آن ضروری به نظر می‌رسد پاسخ به سه سؤال اصلی است:

۱- کتیبه به دستور چه کسی به کتابت درآمده است؟

۲- مخاطبین آن چه کسانی بوده‌اند؟

۳- کتیبه از منظر موضوعات منحصر به فرد، آیا اصولاً دارای هدف سیاسی خاص بوده است و

اگر جواب مثبت است، چه هدف یا اهدافی در پی داشته است؟

پاسخ به این سؤالات برای پژوهنده یک طرح کلی ترسیم می‌کند، بطوریکه در محدود این طرح جهت و دامنه فعالیت‌های آن مشخص می‌گردد. شایان ذکر است پاره‌ای موارد نظیر مکان جغرافیایی کتیبه‌ها، توزیع جغرافیایی آنها یا ابزار پیام رسانی نظیر نوع کتیبه، جنس آن (که تلاش برای ماندگاری آنرا اثبات می‌کند) و نکاتی از این قبیل بسیار حائز اهمیت اند، زیرا یک منطقه جغرافیایی شاید می‌توانسته از نظر سیاسی - مذهبی یک منطقه استراتژیکی محسوب شود یا شاید سنگ نبشته‌ها به عنوان یک یادمان، یادآور پدیده خاصی در منطقه باشند.

همچنین تعدد کتیبه‌ها در یک فضای جغرافیایی نسبت به سایر مکانها، خود می‌تواند جای توضیح بسیار داشته باشد مثلاً انتخاب صخره‌ای از کوه بیستون توسط داریوش شاه، بیگمان تصادفی نبوده است.

## ت) ساختار، پیچیدگی و دشواری‌ها

پژوهشگرانی که سابق بر این به بررسی و تحلیل کتیبه‌های ایران باستان پرداخته‌اند، به خوبی واقف‌اند که اگرچه این کتیبه‌ها رمزگشایی و مضامین آن خوانده شده‌اند، اما واقعیت این است که هنوز دارای نقاط ابهام بسیاری هستند. این نقاط ابهام با فرضیات بسیاری که هر روزه در حال شکل‌گیری اند، بررسی مورد به مورد محتوای کتیبه‌ها را بسیار تخصصی و پیچیده نموده است.

ساختار این رساله که شالوده‌اش بر متن کتیبه‌ها و چارچوب‌اش بر اساس سیاست مقایسه‌ای پی‌ریزی شده است، قطعاً با دشواری‌هایی از این دست روبرو بودن است، چه استناد به فرضیه‌هایی که هر روزه بر تعداد آنها افزوده می‌شود یا نظریاتی که در اندک زمانی مردود اعلام می‌گردند، پژوهشگر را در معرض شک و گمان‌های بسیار قرار می‌دهد. کمبود منابعی که بتواند اصول جامع و کافی علم سیاست مقایسه‌ای را در اختیار نویسنده بگذارد یا پراکندگی، محدود بودن و تکراری بودن مضامین برخی کتیبه‌ها که امکان بررسی‌های همه‌جانبه را سلب نموده‌اند و در بسیاری موارد فقدان اطلاعات فرهنگی - جامعه‌شناختی لازم به عنوان نردبانی جهت دستیابی به فرهنگ سیاسی، موانعی بر سر راه تحقیق به وجود می‌آورند. هرچند تمام تلاش برای رفع ابهامات موجود و تنظیم فرضیاتی منطقی و مستند صورت گرفته است، اما اشکالات احتمالی ثمره طبیعی سه عامل یعنی: عدم دستیابی به همه منابع موجود، به روز بودن و پیشرفت سریع علوم انسانی و متعدد بودن حوزه‌های بررسی و عدم وقت کافی نگارنده برای احاطه بر آنها بوده و قطعاً کار را با محدودیت‌هایی مواجه نموده است.

## ث) ساماندهی پژوهش

در تهیه این پژوهش، بیشتر به ترجمه کتیبه‌ها استناد شده است مگر در مواقعی که مراجعه به متن اصلی غیر قابل اجتناب بوده است. علاوه بر آن سعی شده از مقالات معتبر خارجی نهایت بهره‌برداری به عمل آید. نویسنده ترجیح داده است به جای مطابقت جزء به جزء متن با ترجمه آن، که بیشتر به حیثه زبانشناختی کتیبه مربوط است، به بررسی جدیدترین ترجمه‌ها و مقالات و دیدگاهها در جهت روزآمد کردن موضوع مورد بحث بپردازد. درست به همین دلیل است که فهرست چندی از منابع و مآخذ بدون ذکر قولی مستقیم از آنها

در متن رساله، به عنوان مراجعی که الهام بخش ایده‌ای بوده اند در کتابنامه ذکر شده است. البته بازتاب اندیشه‌های سیاسی رساله حاضر حاصل بررسی نظریات یا گهگاه اختلافات نظرهای نویسندگان مختلف بوده است. در هر جا که لازم به نظر می‌رسیده، عین واژه پارسی باستان یا معادل لاتین اسامی در کنار واژه در کمانک آورده شده است. همچنین توضیحات و برخی ارجاعات به صورت پی نوشت در انتهای رساله گنجانده شده است.

این پژوهش در یک دوره زمانی یکساله در تهران و با بهره‌گیری از امکانات کتابخانه‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سازمان میراث فرهنگی و مشاوره با استادان فرهیخته بخش فرهنگ و زبانهای باستانی پژوهشگاه و دانشگاه تهران به ثمر رسیده است. فصول مختلف آن به صورتی طراحی شده است که به جز فصلهای ابتدایی که در آن به کلیات نظام و تفکر سیاسی پرداخته شده است، هر فصل تنها به کتیبه‌های مربوط به دوران یک شخصیت تاریخی - سیاسی اختصاص داده شود. انتخاب و تقدم یا تأخر کتیبه‌ها برای بررسی در هر فصل براساس اشتهار یا کوتاهی و بلندی آنها بوده است و در فصل پایانی نیز جمع بندی مطالب و طرح و اثبات فرضیه‌ها آورده شده است.

# فصل اوّل:

## کلیات نظام سیاسی

## ۱-۱- تعریف سیاست

آنچه در اینجا به سیاست تعبیر می‌شود، دقیقاً آن چیزی نیست که در تعاریف عام از آن استفاده می‌شود. این پژوهش شیوه‌های فکری و عملکردی همه افراد یک جامعه را با استفاده از منابعی که در اختیار دارد بطور یکجا استخراج کرده و تعمیم می‌دهد. در این مفهوم کل، تعریف مدرن سیاست عبارت است: «فرآیندی که طی آن گروه‌ها تصمیمات دسته جمعی می‌گیرند. گروه طیف وسیعی از خانواده تا جامعه بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. تصمیمات سیاسی ممکن است به شیوه‌های خشونت بار، بحث، اقناع، چانه زنی و یا از طریق رأی دادن اتخاذ شود.» (قوام، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷)

اکثر رقابتها، تعارضات و جبهه‌گیریها در دنیای امروز از تفاوت‌های ایدئولوژیکی و فکری ایجاد می‌شوند. از مقایسه سیاستهای گوناگون در دوره‌های مختلف زمانی نیز این نتیجه برداشت می‌شود اگرچه در گذشته این تعارضات بیشتر از کمبود منابع مادی و یا غیر مادی سرچشمه می‌گرفته است.

«قدر مسلم هر دوره تاریخی نوعی تفکر درباب سیاست ایجاد نموده است اما تأکید بر این است که تفکر سیاسی ارائه شده در کدام دوره برای اندیشمندان در باب سیاست، به الگو و یا «اسوه»<sup>۱</sup> تبدیل شده است. به بیان دیگر دوره‌ای مورد توجه ماست که در آن چهارچوب ویژه‌ای برای تفکر در باب سیاست شکل گرفته است و بعد، آن چهارچوب بر کل جامعه مورد بحث تسری پیدا کرده و یا بقیه دورانها از آن چارچوب متأثر شده اند. این دوره، مولد اسوه دوره باستان تلقی خواهد شد.» (رجایی، تحول اندیشه سیاسی در شرق، ۱۳۷۲، ص ۱۸)

## ۱-۲- سیاست مقایسه‌ای

دیدگاه سیاسی این پژوهش، دیدگاهی مقایسه‌ای است که با بهره‌گیری از آن می‌توان به «شیوه کار حکومتها و تعامل میان ساختارهای مختلف پی برد و عملکرد نظامهای گوناگون را با یکدیگر مقایسه کرد.»

---

1- Paradigm

(قوام، ۱۳۷۳، ص ۲) در گذشته به دلیل عدم وجود طبقه بندیهای خاص سیاسی مانند احزاب، ساختارهای غیر وابسته به حکومت، جبهه گیریها و ... حکومت در دست یک طبقه خاص باقی می ماند و توده مردم صرفاً تأیید کننده رفتار سیاسی نخبگان حکومتی بودند. در این حال با وجود آن که محقق سیاسی به راحتی می توانست به مطالعه و بررسی حکومت پردازد اما امکان بازگو کردن تواناییهای بالقوه نظام سیاسی را نداشت.

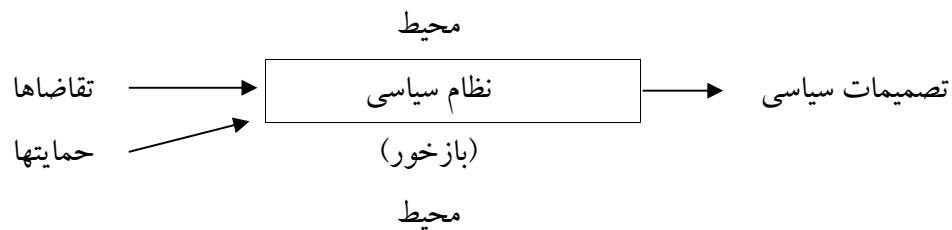
از آنجایی که هر ساختار اجتماعی دارای کارکرد سیاسی نیز هست، بایستی گفت همه مسائل روزمره جامعه به نوعی در رفتارهای سیاسی نمود پیدا می کنند و به طور کلی «مطالعه رفتاری سیاستهای مقایسه ای باید در حول و حوش چنین محورهایی باشد: بررسی رفتار نخبگان سیاسی، تحلیل ساختارها، سازمانها و مکانیزمهایی که نخبگان از آن طریق قدرت سیاسی را کسب و اعمال می کنند و مطالعه نهادهای حکومتی که از طریق آنها تقاضاها جریان می یابند.» (۱۳۷۳، ص ۱۰)

یکی از موضوعات پر اهمیت در مطالعه سیاستهای مقایسه ای، بررسی فضا و محیطی است که حکومت، شکل سیاسی، دولت و دستگاههای مربوطه در آن حیطه فعالیت می کنند. بنابراین «حوزه مطالعه سیاستهای مقایسه ای تنها بررسی نظامهای سیاسی گوناگون نیست بلکه تحولات و کارکردهای مختلف را در چهارچوب یک نظام خاص در مقاطع متفاوت زمانی شامل می شود» (۱۳۷۳، ص ۲۲). چنین برخوردی باعث کنار رفتن دیدگاه سنتی شده، امکان بررسی های علمی و بیطرفانه را ایجاد می نماید. بدین معنا که در درون یک نظام واحد سیاسی می توان شاخصی در نظر گرفت و حوادث قبل و بعد از آنرا با کمک گرفتن از شرایط محیطی، نقش احزاب، سیاست گذاری جامعه، تصمیمات اتخاذ شده توسط دولت و .. بررسی نمود.

علاوه بر آن نظام سیاسی هر جامعه از نقشهای تعاملی شهروندان، رأی دهندگان، قانون گزاران و مجریان تشکیل شده است که اعضای آن در چهارچوب فرهنگی خاصی عمل می کنند. بدین مفهوم که هر فرهنگ بنا به مقتضیات خاص خود بر نموده های خاصی تأکید می کند. «مثلاً این نمونها می توانند قدرت، خواستهای اقتصادی و نظایر آن باشند که درک مقتضیات و تقاضاهای سیاسی یک جامعه بدون برداشت صحیح و دقیق از مختصات فرهنگی آن غیر ممکن به نظر می رسد.» (۱۳۷۳، ص ۲۳)

بنابراین رفتارهای سیاسی یک نظام و فرهنگ جامعه‌ای که نظام مذکور در آن جریان دارد، دارای کنشی متقابلند، بدین ترتیب که در هر جامعه‌ای دستگاه‌هایی وجود دارند که بر اساس تصمیمات لازم‌الاجرا، ارزشهای گوناگون را میان افراد گروه‌های مختلف تعیین و توزیع می‌کنند و مرزهای آن را تعیین می‌نماید. «این ارزشها ممکن است امنیت، آزادی، احترام، مشارکت و درآمد باشند.» (قوام، ۱۳۷۳، ص ۳۱)

بطور کلی شیوه کار یک نظام سیاسی را می‌توان به اختصار به شرح زیر نشان داد:



آرزوها و خواسته‌هایی که در یک جامعه سیاسی بوجود می‌آیند و طبعاً منافی را دنبال می‌کنند، تقاضاهایی بوجود می‌آورند که براساس آنها تصمیمات سیاسی لازم اتخاذ می‌شوند. این روند می‌تواند منجر به ظهور تعارضات میان گروه‌های مختلف، ارزشها و منافع گردد که به نوبه خود علاوه بر به جریان انداختن حیات سیاسی، طبعاً مذاکرات، بازمینی‌ها، طرح اندیشه‌های نو و نظایر آن را در پی خواهد داشت.

«در شرایطی که در مورد پایه‌ها و اصول اساسی نظام توافق و اجماع کلی وجود داشته باشد، مخالفت نسبت به پاره‌ای از سیاستها، قوانین و تصمیمات نمی‌تواند سبب مورد سؤال قرار دادن مشروعیت نظام شود ولی در شرایطی که نظام با بحران توزیع قدرت دست و پنجه نرم می‌کند و بر سر اصول اساسی توافق کلی حاصل نشده است، حتی سطح بالای پشتیبانی از پاره‌ای از تصمیمات و سیاستها به هیچ وجه نمی‌تواند ذخیرهٔ حمایتی برای نظام به شمار آید.» (رجایی، ۱۳۷۲، ص ۳۵)

چنانچه یک نظام سیاسی نتواند در مواقع بحران راهکارهای ارزشی مناسبی ارائه نماید، سبب بهم ریختگی جامعه سیاسی شده و نهایتاً تغییر رژیم را در پی خواهد داشت.

حمایت از نظام سیاسی این امکان را بوجود می‌آورد که انرژی لازم برای ادامه کار نظام فراهم گردد. رفتارهای حمایت‌گرانه می‌تواند به صورت‌های آشکار یا پنهان صورت گیرد. از آثار اینگونه حمایت‌ها، مشروعیت اقدامات اعضای نظام و قانونی شناختن تصمیمات آنهاست.



بطور کلی می توان گفت: «گرچه ممکن است میزان رفتارهای حمایتی اعضای ناظم سیاسی در حدی باشد که آنرا پابرجا نگه دارد ولی آنچه اهمیت دارد تعادل میان رفتارهای حمایتی و خصومت آمیز است.» (رجائی، ۱۳۷۲، ص ۳۵)

با توجه به کلیاتی که پیش از این ذکر شد، دیدگاه سیاست مقایسه‌ای به مفهوم فلسفه سیاسی بسیار نزدیک است: «فلسفه سیاسی که یک مفهوم و واژگان تخصصی است، عبارت است از کوشش برای کشف حقایق زندگی سیاسی، عوامل سیاست و روابط آن. از آنجا که فلسفه اساساً به معنی رسیدن به حقیقت نیست، بلکه مراد از آن جستار دائم در جهت کشف آن است، فلسفه سیاسی ادعا ندارد که حرف آخر را زده است.» (۱۳۷۲، ص ۱۰)

### ۳-۱- تفاوت فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی

گفته می شود «اکثر تفکرات سیاسی در شرق در زمره جستار در حقیقت سیاست، فی نفسه و له نفسه نبوده بلکه کوششی بوده عملی، در راه پیدا نمودن راههایی برای بالا بردن کارآوری، تنظیم، عملکرد جنجال گریز و اداره بهتر مدینه» (۱۳۷۲، ص ۱۴) که از آن به اندیشه سیاسی تعبیر می شود.

تفاوت فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در واقع تفاوت میان ماهیت تئوریک و عملکردی است.

فلسفه سیاسی می کوشد تا انسان را نسبت به پیچیدگی‌های سیاسی آگاه و بیدار کند و در پی ترویج هیچ عقیده خاصی نیست. «آن را می توان هستی شناسی سیاست دانست.» (قوام، ۱۳۷۳، ص ۱۰) حال آنکه اندیشه سیاسی ارائه راهکارهای اصولی است که جامعه را به پیش می برد.

این جستار با بهره گرفتن از اصول فلسفه سیاسی و نگرش سیاست مقایسه‌ای می کوشد تا از لابلای کالبد بی جان و روح سنگ نبشته‌ها و بازمانده‌های باستانی، حقایق زندگی سیاسی و عوامل سیاست و روابط آنرا کشف و عرضه نماید.

#### ۱-۴- مدنیّت و سیاست

با افزایش جمعیت در عصر نوسنگی، ساختار روستایی جای خود را به شهرها داد. شاید بتوان گفت اختراع آجر و به کارگیری آن در معماری سبب ایجاد استواری و قوام بنای شهرها گردید. «در ساختارهای شهری جدید، نوع خاصی از مدنیّت در معنای فکر و اندیشه سیاسی نیز ظهور نمود.» (رجایی، ۱۳۷۲، ص ۲۲) از یک طرف با گسترش قلمرو شهرها و خصوصیات جغرافیایی خاص هر یک از آنها، و از طرف دیگر ابداع شیوه‌های به روز بهره‌وری از طبیعت نظیر استفاده از حیوانات و اهلی کردن آنها در جهت حمل و نقل و کشاورزی یا اختراع ابزار آلات مختلف کشاورزی - دامداری منجر به ایجاد مناسبات تجاری - اقتصادی گردید. شکل‌گیری زیربنای اقتصادی شهرها لاجرم به ایجاد «نظام بین‌المللی خاص منتهی شد که بی‌شبهت به نظام دولت - کشوری امروز نبود اما از آنجا که از لحاظ مقیاس جغرافیایی و پیچیدگی‌های اداری به اندازه یک شهر بودند، به آنها دولت - شهر می‌گفتند.» (۱۳۷۲، ص ۲۲)

این شهرها از نظر سیاسی واحدهای خود مختاری بودند و نسبت به استقلال خود تا بدانجا واقف بودند که روابط آنها براساس رقابت برای قدرت تعیین و تبیین می‌گردید. در بین‌النهرین باستانی نمونه‌های بسیاری از اینگونه دولت شهرها را می‌توان یافت که علاوه بر مناسبات تجاری - فرهنگی بسیار پیشرفته با سایر تمدنها (که البته در شکل‌گیری بسیاری از آنها نیز سهم چشمگیری داشت) بستر مناسبی برای انواع تحولات سیاسی و اندیشه‌های نو بود.

«برقراری سلطه خاندان آگاده بر سراسر بین‌النهرین، بر نظام دولت - شهر نقطه پایان گذارد و به جای آن، ساختار سیاسی جدیدی یعنی دولت - پادشاهی بروز نمود که تا فروپاشی آن ابتدا توسط ایرانیان و سپس به وسیله نیروهای مهاجم اسکندر ادامه داشت.» (۱۳۷۲، ص ۲۳)

#### ۱-۵- قدرت و سیاست

آنچه در اینجا برای پژوهشگر حائز اهمیت است بررسی و مطالعه ابزار قدرت به عنوان یک فاکتور جدانشدنی از سیاست، توزیع و تعادل آن و همچنین چگونگی مشروعیت یافتن یک نظام مقتدر سیاسی است. به تعداد دیدگاه‌های مختلف سیاسی می‌توان تعاریف متفاوتی از «قدرت» بدست داد.

مثلاً از دیدگاه محافظه کارانه قدرت عبارت است از ظرفیت حکومت برای سوق دادن مردم به سوی تحقق هدفهای جمعی نظیر رشد اقتصادی، برقراری نظم عمومی و ...» یا لیبرالیست‌ها معتقدند «قدرت رابطه نابرابر میان دو نفر است که یکی به علت برخورداری از منابع بیشتر دیگری را تحت کنترل قرار می‌دهد.» (قوام، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸)

از آنجا که هدف ما در این پژوهش بررسی مکاتب سیاسی مدرن نیست، پس تعریفی که ما از قدرت عنوان می‌کنیم می‌تواند امکان برخورداری از کلیه منابعی باشد که با آن دیگران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهیم یا به بیان دیگر قدرت یعنی داشتن هرگونه امتیازی که به طریقی دیگران را با ما منطبق می‌کند.

در یک نظام سیاسی، همواره از دولت به عنوان سازمان قدرت در جامعه یاد می‌شود که متضمن نظم و پیشروی آن نظام است و مهمترین عامل در تحلیل امور سیاسی محسوب می‌گردد. «اهمیت عنصر قدرت در ساخت دولت تا بدانجاست که ماکس وبر، جامعه شناس آلمانی، دولت را دستگاهی تعریف می‌کند که «حق مشروع و انحصاری» کاربرد قدرت را در قلمرو معین دارد.» (آشوری، دانشنامه سیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳)

بنا به قول دکتر قوام «اگر سیاست را از قدرت تهی سازیم، مانند آن است که ارزشهای اخلاقی را از مذهب بزدا کنیم.» (۱۳۷۳، ص ۱۲۶)

در تعریف خود از قدرت به امکان استفاده از منابع اشاره کردیم. این موضوع که منابع مورد بحث چه می‌تواند باشد، دارای اهمیت است. منابع را می‌توان ابزاری دانست که دولتمردان یا حکومتها برای رسیدن به اهداف خود (که می‌تواند طیف بسیار وسیعی داشته باشد) از آن استفاده می‌کنند و یا می‌تواند تنها عواملی نظیر زور، توافق، اجماع و نظایر آن باشد. (۱۳۷۳، ص ۱۲۹)

«از لحاظ پیامدها یا نتایج حاصل از کاربرد قدرت نیز این امر ممکن است در جهت منافع اکثر اعضای جامعه و یا تأمین منافع بخش کوچکی از آن باشد.»

استفاده کنندگان قدرت اغلب فرد، گروه یا رهبران سیاسی هستند و ممکن است هدفهای گوناگونی از به کار بردن قدرت خویش داشته باشند. علاوه بر آن باید به این امر توجه کرد که به چه علت برخی افراد در شرایط معینی نسبت به دیگران از اقتدار بیشتری برخوردارند؟

بدست گیری قدرت، خصوصاً در جوامع سنتی گذشته، دارای سلسله مراتب خاصی بوده است که فرد با توجه به ویژگی شخصیتی و منحصر به فرد خود پس از قرار گرفتن در مقام اقتدار از آن بهره‌مند شده و عملکردهایش رسمیت می‌یافتند.

اصولاً زمانی رهبران سیاسی اعمال قدرت می‌کنند که حق حکومت کردن بر دیگران را داشته باشند. اقتدار ارتباط نزدیکی با ارزشها و هنجارهای یک جامعه دارد. در واقع اقتدار به برخورداری از حق اخلاقی برای سیاست‌گذاری، قضاوت و حل و فصل اختلافات دارد. این تعبیر از اقتدار سیاسی بسیار نزدیک به نوع تفکری است که در جامعه سنتی ایران باستان با آن مواجهیم. این طرز تفکر علاوه بر آنکه منش رهبران سیاسی را مشروعیت بخشیده و به آنها حق استفاده از منابع را می‌دهد، در عین حال محدودیتهای خاصی برای آنها قائل شده و رفتار حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را تنظیم می‌کند. پس «هدف بسیاری از نظامهای سیاسی، نظارت و مدیریت قدرت است و می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به ساختار جامعه (سنتی یا مدرن بودن آن) تعابیر مختلفی از اقتدار می‌توان ارائه داد. در جوامعی که کمتر مدرن هستند، انواع اقتدار قداستی، وراثتی و شخصیتی نقش اصلی را در ایجاد حقانیت حکمرانی دارد.» (قوام، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸)

# فصل دوّم:

تفکر سیاسی در جامعه ایرانی